

قانون اساسی و تغییر خطوط مرزی

منوچهر توسلی نائینی*

پژوهیده

حقوق بین الملل به کشورها اجازه می دهد که در روابط دو یا چند جانبه و با عنایت به مصالح و منافع ملی خود و با موافقت کشورهای همسایه، خطوط مرزی خود را تغییر دهند. چنین تغییراتی در خطوط مرزی بویژه بدلیل تحولات ژئوپلیتیک و اتحاد یا جدائی کشورهای و پدیده جهانی شدن اقتصاد و مواردی از این قبیل ممکن است امری اجتناب ناپذیر باشد. زیرا وضعیت بعضی خطوط مرزی به دلایل طبیعی، سیاسی، نظامی و غیره ممکن است زمینه ساز تنش ها و منازعات احتمالی در روابط دو کشور همسایه شود که تنها راه کاهش تنش بین دو کشور اصلاح و تغییر جزئی این خطوط باشد. در حال حاضر، مرزهای ایران با کشورهای همسایه بصورت مرزهای طبیعی و مصنوعی در قالب قرارداد های دو جانبه مشخص گردیده و مرزهای کشور از نظر حقوق بین الملل برسمیت شناخته شده است. لیکن با توجه به همسایگان متعددی که هرکدام در وضعیت ویژه ای قرار دارند و بعضی از آنها با تغییرات مکرر حاکمیتی روبرو بوده اند این سؤال مطرح می شود که با توجه به وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران در حفظ و حراست از مرزها و تمامیت ارضی و استقلال کشور، آیا بصورت ضرورت، امکان تغییر خطوط مرزی برای جلوگیری از مشکلات امنیتی، سیاسی و نظامی وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، براساس اصل ۷۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تغییر هر گونه خطوط مرزی بدلیل اهمیت حفظ استقلال و تمامیت ارضی ممنوع است. لیکن تغییرات جزئی با رعایت مصالح کشور بشرط آنکه یکطرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه وارد نسازد و با تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس مورد قبول قرار گرفته است. در حال حاضر، ضرورت استفاده از اصل فوق الذکر با تقسیم دریای خزر و وضعیت ویژه آن نمود بیشتری

* استادیار و مدیر گروه حقوق دانشگاه شهرکرد

یافته است. باید توجه داشت که هرگونه مسامحه و اعطای امتیازات یکطرفه در این منطقه تبعات امنیتی و سیاسی بر سایر نقاط مرزی ایران خواهد داشت.

واژه های کلیدی: مرز، قانون اساسی، خطوط مرزی، دولت، دریای خزر، حاکمیت، سرزمین

مقدمه

صیانت از مرزها^۱ و حفظ استقلال و تمامیت ارضی یکی از اساسی ترین وظایف دولت‌ها در عصر حاضر است. یکی از عوامل تأثیر گذار بر روابط کشورها با یکدیگر مسئله تحدید حدود مرزی است. از زمانهای قدیم اختلافات مرزی یکی از علل بروز تنش در روابط کشورها بوده است که حتی در مواردی منجر به جنگ بین دولت‌ها شده است به همین دلیل، کشورها در قراردادهای دو یا چند جانبه با همسایگان خود سعی نموده اند مرزهای زمینی دریائی و هوائی خود را مشخص نمایند. در حال حاضر، مرزهای کشورها توسط مراجع بین المللی از جمله سازمان ملل متحد برسمیت شناخته شده است. لذا امکان تغییر مرز در روابط بین المللی براساس زور اشغال نظامی و تسخیر اراضی یک کشور در حقوق بین الملل مردود شناخته شده و به همین دلیل دولت‌های در تبعید نیز مورد حمایت حقوق بین الملل قرار گرفته اند. لیکن همین حقوق به کشورها اجازه می دهد که در روابط دو یا چند جانبه و با عنایت به مصالح و منافع ملی خود و با موافقت کشورهای همسایه، خطوط مرزی خود را تغییر دهند. چنین تغییراتی در خطوط مرزی بویژه بدلیل تحولات ژئوپلتیک و اتحاد یا جدائی کشورها و پدیده جهانی شدن اقتصاد و مواردی از این قبیل ممکن است امری اجتناب ناپذیر باشد. زیرا وضعیت بعضی خطوط مرزی به دلایل طبیعی، سیاسی، نظامی و غیره ممکن است زمینه ساز تنش ها و منازعات احتمالی در روابط دو کشور همسایه شود که تنها راه کاهش تنش بین دو کشور اصلاح و تغییر جزئی این خطوط باشد.

با توجه به همسایگان متعددی که هرکدام در وضعیت ویژه ای قرار دارند و بعضی از آنها با تغییرات مکرر حاکمیتی رو برو بوده اند این سؤال مطرح می شود که با توجه به وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران در حفظ و حراست از مرزها و تمامیت ارضی و استقلال کشور، آیا در صورت ضرورت، امکان تغییر خطوط مرزی برای جلوگیری از مشکلات امنیتی، سیاسی و نظامی وجود دارد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال در ابتدا

باید کلیاتی راجع به جایگاه حقوقی پدیده مرزو خطوط مرزی در حقوق بین الملل و حقوق ایران را مورد بررسی قرار داده و نهایتاً یا تکیه بر علل وجودی تغییرات خطوط مرزی در حقوق بین الملل، شرایط تغییر خطوط مرزی اعم از زمینی و دریائی در جمهوری اسلامی ایران و راههای نظارت بر آن را بر طبق قانون اساسی و رویه عملی دولت ایران مورد کنکاش قرار دهیم.

الف- پدیده مرز و خطوط مرزی در حقوق بین الملل

اصل حاکمیت سرزمینی بعنوان یکی از اصول شناخته شده حقوق بین الملل بیانگر این امر است که هر کشور صرفاً در قلمرو زمینی، دریائی و هوائی خود می تواند حاکمیت داخلی و بین المللی را اعمال نماید و فراتر از آن بدلیل تساوی حاکمیت سرزمین کشورها هیچ اقتداری ندارد. بنابر این، موضوع حفظ تمامیت ارضی و قلمرو هر کشور یکی از مسائل مورد توجه دولتها و افراد ملت است که حساسیت زیادی نسبت به آن وجود دارد.^۱ در اصطلاح حقوقی به محدوده ای که در آن اعمال قدرت سیاسی یا حاکمیت سرزمین هر کشور متوقف می شود مرز گفته می شود.^۲ مرز در حقیقت پدیده ای است که حد فاصل حاکمیت دو یا چند کشور همجوار را معین می کند. در دو طرف یک مرز دولتهای مستقلی وجود دارند که از لحاظ قوانین و مقررات و نحوه اداره یک کشور قواعد مخصوص به خود را دارند. این تعریف سنتی از مرز ممکن است امروزه با توجه به پدیده جهانی شدن و موقعیتهای ژئوپولیتیک جدید کاربرد چندانی نداشته باشد، زیرا دولتهای توانمند بدلیل سیاسی اقتصادی و نظامی با توافق یکدیگر تشکیل دولتهای کنفدرال یا متحد، مرزهای خود را حداقل به صورت مسوری بردارند که برای نمونه می توان به وضعیت دولتهای عضو اتحاد شینگن در اروپا اشاره نمود.

بطور کلی، حقوق اشخاص در روابط بین المللی با پدیده مرز ارتباط نزدیک دارد. معین بودن قلمرو زمینی و دریائی هر کشور باعث مشخص شدن حدود قدرت آن کشور و تقویت اقتدار داخلی آن است. لذا، تعیین حدود مرزی در حقوق بین الملل از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از زمانهای قدیم اختلافات مرزی یکی از عوامل بروز تنش و حتی جنگ در بین کشورهای همسایه بوده است. برای حل این اختلافات تاکنون از سه روش استفاده شده است. در مورد مرزهای دریائی غالباً با عمل یکجانبه مرز دریائی مشخص شده است.^۳ در مورد دیگر اختلافات مرزی، با انعقاد معاهدات دو جانبه بین کشورهای همجوار موضوع

حل و فصل شده است (برای مثال قرارداد الجزایر بین ایران و عراق) و در بعضی موارد، با مراجعه به دیوان بین المللی داوری و دیوان بین المللی دادگستری و اسلاف آنها و براساس حکم داوران و قضات بین المللی مرز بین دو کشور مشخص شده است.

ب- پدیده مرز در حقوق ایران

کشور ایران براساس قرارداد های بین المللی دارای مرزهای شناخته شده بین المللی است. این مرزها به دو صورت طبیعی و مصنوعی قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را مشخص می نمایند. در رابطه با مرزهای زمینی بجز ادعاهای امارات بر جزایر سه گانه ایرانی در سایر موارد، مرزهای زمینی ایران با کشورهای همسایه دقیقاً مشخص شده است.^۱ در این رابطه در اکثر موارد مرزهای زمینی با استفاده از موانع مصنوعی و براساس تحدید حدود هندسی « با استفاده از تیرک، سیم خاردار و دیوار و بر طبق یک روش خاص خطوطی مستقیماً بین دو نقطه مرزی مشخص شده است. این روش در مرزهای ایران با پاکستان، افغانستان، ترکیه و عراق مورد استفاده قرار گرفته است.^۲ در مورد مرزهای دریائی در بسیاری از موارد این مرزها عقد قراردادهای دو یا چند جانبه بین کشورهای ذینفع مورد حل و فصل نهائی قرار گرفته، لیکن در مواردی مرزهای دریائی دقیقاً مشخص و افراز نشده است. برای مثال، علیرغم مذاکرات طولانی در مورد افراز دقیق فلات قاره بین ایران و عراق و کویت فلات قاره و مرز دریائی بین این سه کشور هنوز به یک توافق اصولی و نهائی نرسیده است. در مقابل ایران با توافقات دو جانبه با عمان، قطر، بحرین و عربستان مرزهای دریائی و فلات قاره خود را کاملاً مشخص نموده است.^۳

در بین مرزهای طبیعی، رودخانه اروند رود بعنوان یک رودخانه قابل کشتیرانی بین دو کشور ایران و عراق قرار گرفته که براساس قرارداد الجزایر، خط تالوک یا خط القعر که از عمیق ترین نقطه بستر رودخانه می گذرد بعنوان خط مرزی دو کشور شناخته شده است. در مورد رودخانه غیرقابل کشتیرانی بیرمند که دوازده مایل مرز مشترک بین ایران و افغانستان را تشکیل می دهد ملاک تحدید حدود « خط میانه یا منصف » در نظر گرفته شده است.

در این میان، با توجه به فقدان معاهدات مرزی بین ایران و همسایگانش در دریای خزر، صرفاً براساس معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۱ منعقد شده بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی، می توان به حدود مرزی دریای بسته خزر^۴ اشاراتی داشت که این معاهدات نیز در این

موضوع دارای ابهاماتی می باشند.^{۱۱} زیرا معاهدات مزبور بیشتر به مسائلی چون کشتیرانی و ماهیگیری پرداخته اند. به نظر قزاقستان، با توجه به زمان انعقاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بسیاری از مسائل جدید در حقوق بین الملل دریاها از جمله مفهوم حقوقی فلات قاره مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۸ حقوق دریاها و منطقه انحصاری اقتصادی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در معاهدات فوق پیش بینی نشده است و باید مناطق دریائی دریای خزر بر اساس این کنوانسیونها تعیین شود. روسیه با این نظر مخالف است و دریای خزر را در حکم آبهای داخلی کشورهای منطقه می داند که از شمول کنوانسیون ۱۹۸۲ خارج است.^{۱۲}

افزون بر این، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی وضعیت ژئوپولیتیک منطقه نیز تغییر پیدا کرده است و کشورهای جدید خواهان مشخص شدن وضعیت مالکیت و تعیین حدود خود برای استخراج مستقل منابع بستر و زیر بستر این دریای باشند. قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تجزیه آن به ۱۵ کشور مستقل، خط فرضی میان بندر آستارا و بندر حسنیقلی مرز میان دو کشور تلقی می شد به عبارت ساده تر هر کشور بر پنجاه درصد دریای خزر حاکمیت داشت. اما در حال حاضر، کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان در کنار روسیه و ایران حضور را دارند که این موضوع وضعیت ویژه ای را در رابطه با حق حاکمیت بر دریای خزر بوجود آورده است که باید راه حلی را برای آن جستجو نمود و هر چه سریعتر در جهت حفظ حق حاکمیت ایران بر دریای خزر اقدام کرد.^{۱۳}

دریای خزر با عنوان بزرگترین دریاچه دنیا یک دریای بسته است^{۱۴} و فاقد راه آبی طبیعی به دریاهای آزاد جهان می باشد.^{۱۵} این دریاچه فقط از کانالهای ایجاد شده از طریق رود ولگا به دریای سیاه متصل است. لذا می توان آنرا در حکم آبهای داخلی کشورهای ساحلی مجاور آن شناخت.^{۱۶} لذا مقررات جاری حقوق بین الملل عمومی درباره آبهای آزاد و مناطق دریائی درلتهای شامل این دریا نمی گردد. بدین ترتیب امری نظیر دریای سرزمینی و منطقه نظارت منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره (به مفهوم حقوقی آن) و دریای آزاد در این دریا مطرح نیست. در قراردادهای و عهدنامه های منعقد شده بین دو دولت نیز اشاره ای به اینگونه اصطلاحات حقوقی دریاها نشده است. باید اشاره نمائیم در کنوانسیونهای بین المللی ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ (مربوط به حقوق دریاها) وجود رژیمهای خاص و

تاریخی بین دولتهای همسایه درباره مناطق دریائی به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، نظام حقوقی آن در درجه اول بستگی به توافق کشورهای ساحلی حوزه این دریا دارد. در رابطه با تعیین رژیم حقوقی دریای خزر چند فرضیه قابل اعمال است. اول-مشاع شناختن دریای خزر و بهره برداری مشترک کشورهای ساحلی که حالت اخیر مورد توجه ایران قرار گرفته است. این روش که در قرار دادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مورد تاکید قرار گرفته بنظر بعضی نویسندگان با توجه به بسته بودن دریا و محیط زیست شکننده آن با ایجاد یک سهم ۵۰ درصدی برای ایران می توانست زمینه همکاری مناسبی را بین ایران و بازماندگان شوروی سابق بوجود آورد.^{۱۷} برای اعمال این روش، ایجاد یک نهاد از جانب دولتهای ساحلی به منظور اجرای صلاحیتهای مشترک لازم است.^{۱۸} لیکن این روش با مخالفت سایر کشورهای ذینفع روبرو شده است.^{۱۹} دوم- نظام حقوقی مبتنی بر تقسیم با این شرط که همه کشورهای ساحلی سهمی مساوی داشته باشند. در این روش ایران خزر را یک دریاچه می داند که باید بر اساس تصافه سطح و زیر بستر آن میان کشورهای ساحلی تقسیم شود که در صورت تصویب چنین طرحی حق ایران بیست درصد از دریا خواهد شد. در این روش پنج کشور ساحل دریای خزر یعنی روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان و ایران هرکدام سهمیه یک پنجم یا بیست درصد از آبهای نزدیک به ساحل خود در خزر را مالک می گردند.^{۲۰} سوم- تقسیم بر اساس حقوق بین الملل و قبول اصل آزادی کشتیرانی در دریای خزر دریاها که قزاقستان طرفدار آن است و سهم ایران را به ۱۶ درصد کل دریا کاهش می دهد. چهارم، تقسیم بر اساس بخشهای ملی. این روش مورد قبول آذربایجان بوده و سهم ایران را به ۱۱ الی ۱۳ درصد کاهش می دهد. در این روش بنظر آذربایجان سطح و بستر دریا با استفاده از خط فرضی آستارا- حسینقلی که مرز ایران و شوروی بوده تقسیم شود و منطق ملی کشورهای همسایه ایران بر اساس قرارداد داخلی ۱۹۶۰ تقسیم شود. پنجم- تقسیم بستر و آزادی سطح دریای خزر (مشاع در سطح و تقسیم در بستر). این روش مورد حمایت روسیه است و سهم ایران را به ۱۱ الی ۱۳ درصد کاهش می دهد و در نهایت مافع روسیه را تامین می کند.^{۲۱} با مخالفت کشورهای همسایه ایران در دریای خزر با روشهای اول و دوم بنظر می رسد در مجموع سهم ایران از پنجاه درصد اولیه با بیست درصد و در حال حاضر به ۵/۱۱ الی ۱۳ درصد تنزل پیدا کرده است. چنین امری به منزله از دست دادن ۲۸ میلیارد و ۲۰۰ میلیون بشکه نفت

است.^{۲۲} در چنین وضعیتی انعقاد هر گونه قرارداد مرزی با سایر کشورهای ساحلی بدون رعایت حقوق حاکمیتی ایران، مسئولیت سنگینی را بردوش دولت قرار خواهد داد.

ج- ضرورت تغییرات خطوط مرزی در حقوق بین الملل

امروزه بدلائل متعددی تغییرات در خطوط مرزی بین کشورها با رضایت متقابل پذیرفته شده است. لذا دول همسایه می توانند برخی مرزبندی های خود را که به علل طبیعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی برای آنها مشکلاتی به بار می آورد که براساس قراردادهای دو یا چند جانبه تغییر دهند. در حال حاضر، در بین کشورها دو تمایل متفاوت دیده می شود. اول - تمایل به وحدت و یکپارچگی بین چند کشور که نمونه بارز آن آلمان متحد و در مقیاس وسیع تراتحادیه اروپا است که در آن مرز بین کشورهای عضو اتحادیه برای ورود و خروج اتباع این اتحادیه باز و بدون مانع است. در این حالت، مفهوم سنتی مرز با تغییراتی روبرو می شود که کشورهای عضو اتحادیه بر روابط خود ایجاد کرده اند دوم - تمایل به تجزیه و جدائی که نمونه آنرا در شوروی سابق، یوگسلاوی و چکسلوکی و غیره مشاهده نموده ایم. در این حالت با تولد کشورهای جدید رجوع به مرزهای اولیه الزامی است. بنابراین در هر دو حالت دولتها می توانند براساس تهدیدات خارجی و بدلیل ضرورت های طبیعی، سیاسی نظامی و حتی اقتصادی و به صورت متقابل در قرار دادهای دوجانبه خود خطوط مرزی فیما بین را تغییر دهند. لیکن در غاب کشورها، بدلیل حساسیت عمومی در رابطه با تغییرات ارضی، توسل به همه پرسی^{۲۳} و نظارت یک مرجع مردمی همچون قوه مقننه ضروری شناخته شده است.

د- تغییر خطوط مرزی در جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر آن

براساس اصل هفتاد و هشتم قانون اساسی «هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط اینکه یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد».

با توجه به اصل فوق عدم تغییر در خطوط مرزی بعنوان یک اصل و تغییرات جزئی بعنوان یک استثناء پذیرفته شده است. به عبارت دیگر، بجز در موارد ضروری و حیاتی برای کشور امکان تغییر در خطوط مرزی وجود ندارد. اما در مواردی نیز که تغییر خطوط مرزی ضروری است رعایت چهار شرط الزامی است.

- اول - اصلاحات در خطوط مرزی باید جزئی باشد.
- دوم - مصالح کشور رعایت شود.
- سوم - تغییرات در خطوط مرزی باید یکطرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزنند.
- چهارم - این اصلاحات باید به تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

در رابطه با شرط اول، منظور از اصلاحات جزئی در خطوط مرزی عدم تغییر اساسی در مرزهاست بنابراین در محدوده مرزهای از پیش تعیین شده مرقاً در نقاطی که مرزبندی برای دو کشور همسایه نامناسب است این اصلاح اجازه داده شده است. از شرط دوم یعنی رعایت مصالح کشور چنین برمی آید که موضوع باید در چارچوب شورای عالی امنیت ملی و در قالب سیاستهای کلی نظام پیگیری شود. شرط سوم به دوطرفه بودن تغییرات اشاره دارد. برای مثال اگر دولت ایران تپه ای را به همسایه مجاور واگذاری کند باید در مقابل قسمتی از خاک همسایه و یا تپه ای از خاک همسایه و یا تپه ای از خاک ها به ایران واگذار شود. بنابراین، منفعت دو جانبه، شرط اساسی این اصلاحات جزئی است. لذا اگر در مقابل واگذاری بخشی از یک رودخانه مهم مرزی به ایران، چندین کیلومتر مربع زمین به کشور مجاور داده شود از نظر عرف این واگذاری جزئی تلقی نمی شود و با مصالح کشور مغایرت خواهد داشت. در هر حال اصلاحات جزئی باید متعادل باشد و از نظر مساحت بین قسمتهای مبادله شده بین دو کشور تعادل وجود داشته باشد و این امر براساس بررسی های کارشناسانه انجام شود.^{۲۴}

در رابطه با شرط چهارم، به نظر می رسد که قانون اساسی بدلیل بودن نهاد مجلس آنرا بهترین مقام برای نظارت بر تغییرات جزئی مرزی شناخته است. به عبارت دیگر موافقت با تغییرات جزئی مرزی از جمله صلاحیتهای ویژه مجلس است. با توجه به اهمیت موضوع و برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور قانون اساسی موافقت چهار پنجم نمایندگان مجلس (حداقل ۲۱۶ رأی) را برای تغییر مرزی لازم داشته است که یکی از بالاترین حداکثرهای مقرر در رأی گیری نمایندگان مجلس تلقی میگردد. البته مجلس علاوه بر حق تصویب تغییر مرزی قبل از رأی گیری می تواند با تشکیل کمیسیون ویژه روند مذاکرات قوه مجریه در رابطه با تغییر خطوط مرزی را پیگیری و

تذکرات لازم را به قوه مجریه ارائه دهد. با توجه به مراتب فوق بنظر می رسد که مجلس وظیفه دارد رعایت سه شرط اول مبنی بر وجود تغییرات جزئی، رعایت مصالح کشور و رعایت استقلال و تمامیت ارضی ایران را بررسی نموده و سپس رأی گیری نماید.

در حال حاضر، تنها موردی که استفاده از اصل ۷۸ قانون اساسی را ضروری می سازد، تعیین میزان حاکمیت ایران بر دریای خزر است. این دریا با ۲۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع نا بحال موضوع چند معاهده منعقد فیما بین ایران و روسیه و سپس ایران و شوروی سابق قرار گرفته است بدون آن که بطور کامل تحدید حدود شود. لذا معاهده ای در مورد تقسیم دریای خزر به مناطق تحت حاکمیت دولتهای ساحلی منعقد نشده است. قبی از فروپاشی شوروی سهم ایران نصف دریای خزر بود که با ظهور کشورهای جدید چون آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان این سهم ممکن است به یک پنجم یا حتی کمتر تقلیل یابد.

در حال حاضر با توافق دو جانبه بین بعضی کشورهای همسایه در دریای خزر، به نظر می رسد که سهم کمتری برای ایران در نظر گرفته شده است. به همین دلیل وزارت امور خارجه باید بعنوان دستگاه مسئول سیاست خارجی برای انعقاد قرارداد تقسیم دریای خزر بسیار آگاهانه عمل نماید. البته با توجه به اهمیت موضوع نمایندگان مجلس کمیسیون موقت ویژه ای را در رابطه با دریای خزر تشکیل داده اند و اعلام نموده اند که چنانچه در هر صورت منافع ملی ایران در دریای خزر تأمین نشود، بر اساس اصل ۷۸ از تصویب هرگونه قرارداد مربوطه خود داری خواهند نمود. چنین روندی نشان می دهد که حفظ تمامیت ارضی کشور برای نمایندگان مردم اهمیت زیادی دارد و حتی تغییرات جزئی در دریای خزر بدون رعایت مصالح کشور در صورت یکطرفه بودن آنها نخواهند پذیرفت. این خط مشی، همه ارگانهای ذیربط را وادار خواهد نمود که بصورت فعالتر با موضوع برخورد نموده و در رابطه با جزئی ترین موضوعات نیز منافع ملی را در نظر بگیرند.

نتیجه گیری

یکی از مسائل مهم در رابطه با حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور تأمین امنیت مرزی آن کشور است. در حال حاضر، مرزهای ایران با کشورهای همسایه بصورت مرزهای طبیعی و مصنوعی در قالب قراردادهای دوجانبه شخص گردیده و مرزهای

کشور از نظر حقوق بین المللی برسمیت شناخته شده است. لیکن در بعضی موارد بدلیل تغییرات حکومتی در کشورهای همسایه، وضعیت بعضی خطوط مرزی از نظر سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره، امکان بروز اشکالاتی را در روابط ایران با همسایگان خود فراهم کرده است که با اصلاح و تغییر جزئی این خطوط مرزی می توان بر این اشکالات تأثیرگذار بر امنیت ملی فائق آمد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و براساس اصل ۷۸، تغییر هر گونه خطوط مرزی بدلیل اهمیت حفظ استقلال و تمامیت ارضی ممنوع است. لیکن تغییرات جزئی با رعایت مصالح کشور بشرط آنکه یکطرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه وارد نسازد و با تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس مورد قبول قرار گرفته است. در اینجا بنظر می رسد که رعایت شروط فوق الذکر در درجه اول بعهده قوه مجریه و در مرحله نهائی بعهده نمایندگان مجلس است. در حال حاضر، ضرورت استفاده از اصل ۷۸ قانون اساسی و نظارت مجلس بر تغییرات مرزی کشور با تقسیم دریای خزر و وضعیت ویژه آن نمود بیشتری یافته است. باید توجه داشت که مرکز مسامحه و اعطای امتیازات یکجانبه در این منطقه تبعات امنیتی و سیاسی بر سایر نقاط مرزی ایران خواهد داشت که امید است با درایت مسئولان مربوطه موضوع نظام حقوقی دریای خزر و سهم عادلانه ایران از آن به نحو احسن حل و فصل شود.

پس نوشت ها

1-Frontier-Border

۲- برای درک اهمیت موضوع در ایران مراجعه شود به شرح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، جلد سوم، ۱۳۵۸، ص ۱۷۰۱. البته بعضی نویسندگان متخصص در جغرافیای سیاسی معتقدند که جهان امروز روندی را طی می کند که نه بلحاظ سرزمینی بلکه به لحاظ فضائی در حال تقسیم شدن است. لذا حاکمیت از سرزمین به فضا منتقل گردیده و مفهوم حقوقی امروزی حاکمیت که خاص دولتهای ملی است به حاکمیتهای عملکردی که خاص نظام های فضا-منطقه ای است تغییر یافته و به تبع آن حقوق حاکمیت نیز باید بازنویسی شود. لذا جغرافیای سیاسی با توجه به روند جهانی شدن که تضعیف حاکمیتهای ملی و کمرنگ شدن مرزهای بین المللی و افول تدریجی حاکمیت کشورها را در

بر دارد، در آینده دچار دگرگونی خواهند شد رک به اخباری محمد، جهانی شدن و تحول در مفهوم مرزها، خلاصه مقالات همایش ملی مرزها، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تیر

۱۳۸۲، ص ۱۲-۱۱

3-Dellbez I, Les principes generaux de droit international public, 1964.p7.

۴- برای آشنائی مختصر با حقوق دریاها رک به

Brown E.D, Law of the Sea, History in R. Bernhart (ed), Encyclopedia of public international law, Instalement 1, 1981, pp 191-196

۵- ایران با وسعت تقریبی ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع با ۱۵ کشور همسایه در مجموع ۸۷۵۵

کیلومتر مرز مشترک دارد و ۲۸ رودخانه و ۲ دریاچه نیز در بعضی نقاط بعنوان مرز

طبیعی شناخته شده اند. به ترتیب، پاکستان با ۷۲۱ کیلومتر مرز خشکی و ۲۵۷ کیلومتر مرز

رودخانه ای-افغانستان با ۷۰۹ کیلومتر مرز خشکی و ۲۳۶ کیلومتر مرز رودخانه ای-

ترکمنستان با ۷۹۸ کیلومتر مرز خشکی و ۴۰۷ کیلومتر مرز رودخانه ای-جمهوری

آذربایجان با ۱۷۵ کیلومتر مرز خشکی و ۵۸۴ کیلومتر مرز رودخانه ای-ارمنستان با ۴۸

کیلومتر مرز رودخانه ای- ترکیه با ۴۷۶ کیلومتر مرز خشکی و ۳۵ کیلومتر مرز رودخانه ای-

عراق با ۱۲۵۸ کیلومتر مرز خشکی و ۳۵۱ کیلومتر مرز رودخانه ای- بحرین، کویت،

عربستان، قطر، امارات متحده عربی و عمان با ۲۰۴۳ کیلومتر مرز دریائی در سواحل خلیج

فارس و دریای عمان - روسیه و قزاقستان با ۱۵۷ کیلومتر دریائی در دریای خزر به همراه

آذربایجان و ترکمنستان همسایگان دریائی ایران می باشند. طول سواحل ایران در دریای

خزر ۱۵۷ و طول سواحل ایران در خلیج فارس ۲۰۴۲ می باشد. منبع، انتشارات فرماندهی

مرزبانی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲

۶- در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ تفاهم میان انگلیس شارجه از یک سو و ایران از سویی دیگر

بدین گونه بود که نه ایران و نه شارجه از ادعای خرد بر ابوموسی صرف نظر نخواهند کرد و

هیچ یک ادعای دیگری را نمی پذیرد بدین صورت تفاهم نامه یادشده در یک مقدمه و شش

ماده زیرین تنظیم شد و روز ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ رسماً از سوی شیخ شارجه اعلام گردید:

۱- نیروهای ایرانی وارد ابوموسی خواهند شد و نواحی مورد توافق بر روی نقشه را

اشغال خواهند کرد. ۲- ایران بر نواحی تحت کنترل خود پرچمش را خواهد افراشت.

۳- شارجه بر با ۶ جزیره صلاحیت کامل خواهد داشت. ۴- ایران و شارجه حدود آبهای

سرزمینی جزیره را در ۱۲ مایلی، مطابق قانون آبهای سرزمینی ایران می‌پذیرند. ۵ - موافقتنامه‌ای در مورد کمک مالی ایران به شارجه به امضا خواهد رسید. بدین‌گونه در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۱ نیروهای ایرانی در سه جزیره پیاده شدند. با ورود این نیروها و شکایت بعضی دولتهای عرب در شورای امنیت سازمان ملل، ایران اعلام کرد که موضوع جزایر یک امر داخلی است برای اطلاعات بیشتر رک به مجتهدزاده پیروز، «جغرافیای سیاسی و تاریخ جزایر تنب و ابوموسی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ششم، شماره ۱۱ و ۱۲ (۶۰-۵۶) مرداد و شهریور ۱۳۷۱

۷- ضیائی بیگلی، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، چاپ احمدی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶.

۸- رک به واثق محمود، تحدید فلات قاره ایران - کویت در خلیج فارس، روزنامه همشهری، شماره ۲۲۲۱، ۲ بهمن ۱۳۷۹. نویسنده این مقاله عدم توافق ایران و کویت در مورد مبداء آبهای سرزمینی و توسعه این آبها از سه مایل به دوازده مایل دریائی و همچنین کارشکنی‌های عراق را مانع به نتیجه رسیدن مذاکرات دو کشور می‌داند.

9- Thalweg

تالوگ کلمه قدیمی است که معنی لغوی آن دره می باشد و در اصطلاح به این مفهوم است که عمیق‌ترین و قابل کشتیرانی‌ترین نقطه رودخانه مرز بین دو کشور باشد. به موجب ماده ۲ عهدنامه، «در پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق» مرز در کشور در ارون رود تا دریا، خط تالوگ تعیین گردید. همچنین در صورت تغییرات ناشی از عوامل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی، مرز همچنان خط تالوگ خواهد بود. ارون رود گاهی سالانه ده کیلومتر در بستر خود پیشروی دارد به این معنی که آبهای آن در بهار پیش رفته و در پاییز عقب می‌نشینند و به این ترتیب مسیر آن به طور دائم در حال تغییر است. با تعیین خط تالوگ به عنوان مرز آبی در ارون رود، عهدنامه فوق به یکی از قدیمی‌ترین اختلافات دو کشور خاتمه داد. رک سیدجلال‌الدین مدنی، سرنوشت امضای خلعتبری، ماهنامه زمانه، شماره ۲۲، تیر ماه ۱۳۸۲

۱۰- دریای خزر در گذشته به نام‌های خاوالیسکی در روسیه، دریای هیرکانیان در ادبیات عرب و دریای طبرستان، دریای جرجان یا گرگان، دریای آبسکون و بحرناپنا در ایران شناخته می شده و در حال حاضر در ایران بیشتر به نام دریای خزر شناخته می شود.

البته دریای مازندران هم کاربرد دارد و در سطح بین المللی به نام کاسپین شناخته می شود. رک به عسگری فامنین سهراب، ایران و ژئوپلیتیک دریای خزر، روزنامه مشهوری، شماره ۲۱۷۲، ۱ مرداد ۱۳۷۹، ص ۱۲

۱۱- بعضی نویسندگان معتقدند که معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ منبای حقوقی محکمی برای اعمال حق حاکمیت ایران تلقی می شوند. مراجعه شود به مولائی، یوسف «چگونگی اثبات حق حاکمیت ایران در دریای خزر» روزنامه ایران، شماره ۲۱۰۳، ص ۷

۱۲- رک به مشهدی، هادی، دریای خزر، حقوق قدیم و پنج کشور جدید، روزنامه مشهوری، شماره ۲۰۶۹، ۱۵ اسفند ۱۳۷۸

۱۳- در حال حاضر روسیه بعنوان وارث شوروی سابق برخلاف قرارداد های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ منعقد با ایران، با کشورهای همسایه خود در دریای خزر معاهداتی دوجانبه منعقد نموده است. مراجعه شود به میرسنجری، میر مهرداد، دفاع ایران از یک حق تاریخی، روزنامه ایران، شماره ۲۱۰۷، ص ۹.

۱۴- برای اطلاعات بیشتر رک به قاسم زاده فرشته، دریا یا دریاچه خزر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸، ص ۱۰۵

بسته بودن دریای خزر در بعضی قوانین ایران مورد اشاره واقع شده است. در ماده ۲ قانون راجع به اکتشافات و بهره برداری از منابع طبیعی قلات قاره ایران در سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) تبصره‌ای وجود دارد که می‌گوید، «در مورد بحر خزر مبنای عمل طبق اصول حقوق بین الملل مربوط به دریای بسته بوده و می‌باشد. به دریا‌هایی بسته می‌گویند که ۱- دریایی که کاملاً توسط سرزمین دو یا چند کشور بدون راه به دریای دیگری احاطه شده باشد ۲- دریایی که توسط چند کشور محدود احاطه شده و به وسیله یک یا چند تنگه باریک به سایر دریاها متصل است و رژیم حقوقی آن بر اساس معاهدات بین المللی تنظیم شده است ۳- نوع سوم مانند دریای نوع دوم است اما بدون یک رژیم حقوقی قراردادی بر اساس معاهدات بین المللی. دریای خزر مشمول بند یک این قوانین می‌شود. رک به صفری، محمد، دریای خزر، چالش پنج کشور، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۲/۱/۱۰، اینترنت

۱۵- اصطلاح «دریاها و دریاچه های بسته» اشاره به مناطق آبی دارند که توسط قلمرو خشکی یک یا چند دولت محصور شده اند و به دریا‌های آزاد دسترسی مستقیم ندارند. رک به طلائی فرهاد، حقوق بین الملل کاربردی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴

۱۶- ضیائی بیگدلی، محمد رضا، همان منبع، ص ۲۷۱. بدین ترتیب دریای خزر تابع حقوق بین الملل دریا نیست بلکه به عنوان بخشی از آبهای داخلی میباشند (مانند دریای آرال و آزر ف) و تابع قواعد کنوانسیونهای منعقد شده فیما بین دولتهای ساحلی هست.

۱۷- میر سنجری میرمهرداد، نگاهی به چالش های سیاسی ایران در بهره برداری دریای خزر، روزنامه همشهری، ۲۱ خرداد ۱۳۸۲

۱۸- رک به طلائی فرهاد، همان منبع، ص ۱۸۸.

۱۹- آذربایجان بر طبق مفهوم دریاچه بودن دریای خزر معتقد است که هر کشور ساحلی، سهم خویش از دریای خزر که از یک منطقه امتداد ساحلی تا خط مرکزی (خطی که فاصله برابری از هر ساحل دارد) تشکیل شده را بدست خواهد آورد. بدین وسیله هر کشوری می تواند حاکمیت خویش را در منطقه مربوط به خود اعمال کند و دیدگاه کشور قزاقستان نیز کاملاً مشابه دیدگاه آذربایجان است و هر دو کشور مخالف تلقی کردن دریای خزر به عنوان آبهای آزاد هستند و معتقدند این دریا به مناطق اقتصادی بر اساس خط مرکزی تقسیم شود و هر کشوری بتواند در این مناطق به استخراج منابع طبیعی موجود بپردازد. به نظر می رسد دلیل وجود مهمترین منابع غنی نفتی در مجاورت سواحل این دو کشور آنها راغب به تعیین منطقه انحصاری اقتصادی از خط مرکزی می باشند رک مشهدی هادی، همان منبع، شماره ۲۰-۲، ۱۶ اسفند ۱۳۷۸.

۲۰- کوهنورد، نفیسه، دریای دغدغه - ایران و چالش رژیم حقوقی خزر، روزنامه همشهری ۶ خرداد ۱۳۸۲. برای آشنائی بیشتر با این روش تقسیم رک به طلائی فرهاد، همان منبع، ص ۱۸۶-۱۸۷. همچنین رک به طلائی فرهاد، دریای خزر دریای صلح و ثبات یا دریای تعارض و بی ثباتی، پیام دریا، شماره ۹۹، سال دهم، دی ماه ۱۳۸۰، ص ۲۷-۲۰.

۲۱- میر سنجری میرمهرداد، نگاهی به چالش های سیاسی ایران در بهره برداری دریای خزر، روزنامه همشهری، ۲۱ خرداد ۱۳۸۲. بنظر می رسد با این روش، روسیه دلیل قدرت نظامی خود، خواهان حفظ ناوگان نظامی و ایجاد شرایطی برای فعالیت های آزاد ناوگان نظامی، تجاری و صیادی خود در همه نقاط دریای خزر است. رک به ملکی، عباس، پیچیدگیهای جدید در کار خزر، روزنامه همشهری، ۱۸/۱/۱۳۸۳.

۲۲- بیطرف، منصور «سهم ایران در دریای خزر» روزنامه ایران، شماره ۲۰۹۷، ص ۷.

- ۲۳- برای مثال بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای اعمال مقررات اتحاد شینگن در مورد برداشتن مرزها و اجرای ارز واحد (یورو) به همه پرسبی متوسل شده اند.
- ۲۴- هاشمی، سید محمد «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، جلد دوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۹ ص ۲۲۶.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

کتاب و مقالات

- ۱- اخباری محمد، جهانی شدن و تحول در مفهوم مرزها، خلاصه مقالات، همایش ملی مرزها، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تیر ۱۳۸۲
- ۲- بیطرف، منصور، سهم ایران در دریای خزر « روزنامه ایران، شماره ۲۰۹۷
- ۳- صفری، محمد، دریای خزر، چالش پنج کشور، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۳/۱/۱۰، اینترنت.
- ۴- ضیائی بیگلری، محمدرضا، حقوق بین المللی عمومی تهران، چاپ احمدی، چاپ پانزدهم ۱۳۸۰.
- ۵- طلائی فرهاد، حقوق بین الملل کاربردی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۶- طلائی فرهاد، دریای خزر دریای صلح و ثبات یا دریای تعارض و بی ثباتی، پیام دریا، شماره ۹۹، سال نهم، دی ماه ۱۳۸۰.
- ۷- عسگری فامنین سهراب، ایران و ژئوپلیتیک دریای خزر، روزنامه همشهری، شماره ۲۱۷۲، ۱ مرداد ۱۳۷۹.
- ۸- قاسم‌زاده فرشته، دریا دریاچه خزر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸، ص ۱۰۵.
- ۹- کوهنورد، نفیسه، دریای دغدغه - ایران و چالش رژیم حقوقی خزر، روزنامه همشهری، ۶ خرداد ۱۳۸۲.
- ۱۰- مجتهدزاده پیروز، «جغرافیای سیاسی و تاریخ جزایر تنب و ابوموسی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ششم، شماره ۱۱ (۶۰-۵۶) مرداد و شهریور ۱۳۷۱.
- ۱۱- مدنی، سیدجلال الدین حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۷۷.

۱۲- مدنی سیدجلال‌الدین، سرنوشت امضای خلعتبری، ماهنامه زمانه، شماره ۲۲، تیر ماه ۱۳۸۳.

۱۳- مشهدی، هادی، دریای خزر، حقوق قدیم و پنج کشور جدید، روزنامه همشهری، شماره ۲۰۶۹، ۱۵ اسفند ۱۳۷۸.

۱۴- ملکی، عباس، پیچیدگیهای جدید در کار خزر، روزنامه همشهری، ۱۳۸۳/۱/۱۸.

۱۵- مولائی، یوسف، چگونگی اثبات حق حاکمیت ایران بر دریای خزر « روزنامه ایران، شماره ۲۱۰۳.

۱۶- میرسنجری، میرمهرداد، دفاع ایران از یک حق تاریخی « روزنامه ایران، شماره ۲۱۰۷.

۱۷- میرسنجری، میرمهرداد، نگاهی به چالش‌های سیاسی ایران در بهره‌برداری دریای خزر، روزنامه همشهری، ۲۱ خرداد ۱۳۸۲.

۱۸- واثق، محمود، تحدید فلات قاره ایران - کویت در خلیج فارس، روزنامه همشهری، شماره ۲۳۲۱، ۲ بهمن ۱۳۷۹.

۱۹- هاشمی، سید محمد «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، جلد دوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۹.

منابع رسمی

۱- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جلد سوم، چاپخانه مجلس شورای اسلامی.

۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

ب- منابع خارجی

1-Brown E.D, Law of the Sea, History in R. Bernhart (ed), Encyclopedia of public international law, Instalment 1, 1981.

Paris, 1964 "Les principes genevaux de droit international public " 2-Dellbez.

3-Dinh (N.Q), Daillier (P), Pellet (A), « Droit international public », Paris L.G.D.I, 4^e éd, 1994.